به نام خدا

۹ اسفند ۱۳۹۶

انقلاب در ساختارها

این متن به صورت قسمت شده در قالب پنج نوشته در وبلاگ زیر منتشر شده است:
http://rastan.parsiblog.com/Posts/669

شکی نیست که آدم‌های بهتری آمدند
وقتی انقلاب شد
تمام کشور زیر و رو
بالایی‌ها پایین
پایینی‌ها بالا
مشابه آن‌چه حضرت امیر (ع) فرمود:
»همانا شما درهم آمیخته و غربال خواهید شد تا آن که پایین است به رو آید و آن که بالاست به زیر رود و آنان که وا پس مانده‌اند پیش برانند و آنان که پیش افتاده‌اند وا پس مانند«
»لَتُبَلْبَلُنّ بَلْبَلةً ، و لَتُغربَلُنّ غَرْبَلةً ، حتّى يعودَ أسفلُكم أعلاكم ، و أعلاكم أسفلَكم ، و ليسبقنّ سَبّاقونَ كانوا قَصَّروا، و ليقَصِّرَنَّ سبّاقونَ كانوا سَبَقوا) «نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶، بحارالأنوار، ج۵، ص۲۱۸(

ساعت شنی را مانَد
انقلاب همان لحظه نهایی‌ست
وقتی سر و ته می‌کنی
دوباره از اول

آدم‌های خوب مسئول شدند
دانه‌درشت‌ها پایین
اما اگر مخلوط شن و ماسه را روی ویبره بگذاریم
صفحه‌ای که بلرزاند...

ساختار این طور عمل می‌کند
وقتی این طور طراحی شده
کارش همین است
مدام جاها را عوض کند
اما این‌بار نه به سرعت
نه با انقلاب
به آهستگی
آرام و یواش
شبیخون‌وار

لرزشی که بر پیکره نظام وارد می‌شود
بسیار آرام است
اما در طول زمان
پیوسته و مرحله به مرحله
دوباره دانه‌درشت‌ها را به قدرت می‌رساند
و ریزها
مستضعفین
باز هم به زیر سازواره نظام فرومی‌ریزند
بدون این‌که متوجه شویم
بدون این‌که حساس شویم
همه چیز ناگهان دیده می‌شود
وقتی سال‌ها می‌گذرد
وقتی دوباره راهپیمایی می‌کنیم
و تکرار آرمان‌ها را بانگ می‌زنیم
ناهماهنگی را می‌بینیم
لحظه‌ای که همه درون خود می‌گویند:
»چه می‌خواستیم، چه شد!؟«

ثروت همین است
وقتی انباشته شود
همیشه دانه‌های درشتی پدید می‌آورد
در نظام اجتماعی
که جایشان بالاست
حتی اگر دیده نشوند
در پشت مسئولین
طوری که کار دست ثروت باشد
دست سرمایه
دست انسان‌ها نباشد
حتی مسئولین هم مقهور سرمایه‌دارها می‌شوند
وقتی کشور سرمایه‌محور اداره شود

پس چه کنیم؟!
این‌که مدام تکرار می‌شود
به دلیل لرزش آرام بنیان‌ها
این‌که دانه‌درشت‌ها قهراً بالا می‌روند
این‌که نمی‌شود
یعنی باید هر چهل سال یک انقلاب کنیم؟!
با تمام هزینه‌هایش؟!
مگر می‌شود؟!

مگر داریم؟!

اشتباه رئیس جمهور سابق همین است
این‌که می‌خواهد دوباره انقلاب کند
مثل همان انقلاب نخست
دوباره می‌خواهد شن‌ها را با ماسه‌ها جابه‌جا کند
دانه‌درشت‌ها را فروبکشد
و دانه‌ریزها را برتری دهد
کاری درست
اما نه ماندگار
نه پایدار
اگر پس از چهل سال دوباره بالا آمده‌اند
باز هم خواهند آمد
خصوصاً با تجربه‌ای که یافته‌اند
هم سرمایه‌داران
و هم دشمنان

بله
ما دشمن داریم
بدترینش را هم
مکارترین هم
با بیشترین فناوری هم
مجهز به علم مادّی هم
دشمن ما هزاران مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دارد
در علوم انسانی
در جامعه‌شناسی و روانشناسی
اقتصاد و آمار و مدیریت
او در کمین ماست
او یک‌بار اشتباه کرد
محاسباتش غلط از آب در آمد
ژنرال‌هایش را درست توجیه نکرد
کودتاهایش به شکست خورد
و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید
آیا این‌بار هم اشتباه خواهد کرد؟!

انقلاب‌های کشورهای عربی را ندیدیم؟!
آن‌چه بهار عربی‌اش خواندند
قیام‌های پی‌درپی
همه بر اساس پی و بنیان انقلاب اسلامی
در جنوب غرب آسیا

امید داشتیم که کار تمام است
پای آمریکا و عواملش بریده خواهد شد
ولی شد؟!
آیا بریده شد؟!
آیا مراکز پژوهشی امنیتی آمریکا و اسرائیل بیکار نشستند؟!
آیا انقلاب‌ها را مصادره نکردند؟!
همان خطری که مقام معظم رهبری به‌شان گوشزد کرده بود
نکرده بود؟!
گوش کردند؟!
نکردند
و این شد که امروز می‌بینیم
که امروز می‌بینند
آب دوباره به همان جوی سابق برگشت
و دوباره به جیب سرمایه‌داران آمریکایی
به آسیاب دنیاپرستان

رئیس جمهور سابق از این منظر اشتباه می‌کند
که می‌خواهد چیزی را تکرار نماید
که تکرارناپذیر است
بعضی پدیده‌های تاریخی این‌طورند
فقط یک‌بار فرصت روی دادن دارند
دو بار نمی‌شوند
لو می‌روند
تمام مکانیزم‌هایشان

ساختارها را می‌شود عوض کرد
راه هم دارد
راهش را تا ندانند
دچار افراط و تفریط می‌گردند

تفریط همین است که هست
روز به روز سقوط است
نزول
تنزّل
برای مستضعفین
برای صاحبان واقعی انقلاب
در این شکی نیست

اما افراط
تندروی

پیش افتادن از پیشوایان
جوانی کردن جوانان
و نپذیرفتن پند پیران
دشمن را ندیدن
تمایلات مردم را نشناختن
شکاف در جامعه انداختن
و آثار و نتایج آن را پیش‌پیش تلقّی نکردن
پیش‌بینی نکردن

سؤال پیش روی همه ما این است:
چرا امام ره واژه «جمهوری» را به «اسلام» اضافه کرد؟!
بی‌دلیل؟!
قطعاً محاسباتی در کار بوده
مصالحی دیده شده
اجتهاد و فقاهتی در بین

آن‌که زمان و مکان خود را نشناسد
و از کودک پنج‌ساله
دویدن بیست‌ساله بطلبد
جز شکستن دست و پا ثمری نبیند
حکومت اسلامی مورد نظر امام ره
در نجف
همان جمهوری اسلامی نوفل لوشاتو است
با یک تفاوت
ملاحظات رشد در آن دیده شده است
توجه شده است
مراحل تکامل اجتماعی
تکامل تمایلات مردم
خواسته‌ها
رشد آن‌ها را لحاظ نموده است
پیش افتادن آسیب‌هایی در پی دارد

اما راه چیست؟!
وقتی بزرگان راه نشان ندهند
طبیعتاً جوانان پیش می‌افتند
گله کردن سخت است
چطور می‌شود یقه‌شان را گرفت
وقتی کاهلی می‌بینند

راه پیش‌نهادی رئیس‌جمهور سابق ناپخته است

انتخابات را بر هم زدن
فردا روز هم دوباره لیاخوف روسی پیدا می‌شود
مجلس را به توپ می‌بندد
هواپیما در آسمان است
اوج گرفته
نمی‌شود به امید ساخت موتورهای جدید
موتورهای فعلی را دور انداخت

حالا آمدیم و آدم‌ها را عوض کردیم
مگر مشکل از آن‌هاست؟!
مگر آدم‌ها ایراد دارند؟
شما یک گروه دیگر را بگذارید
تا چند سال؟!
دوباره همان نمی‌شود؟!
مگر نشد؟!
ریشه را باید دید
بنیان‌ها را اصلاح کرد

الف مدیر است
دارد می‌رود
باید جای او کسی را نشاند
ب و ج نامزد هستند
معاونان وی
حقوق مدیر بیشتر است یا معاون؟!

مشکل دقیقاً در همین‌جاست
چرا حقوق مدیر بیشتر است؟!
چرا خدمات دریافتی او بیشتر
الگوی مصرف بالاتر
خرج و مخارجی افزون دارد؟!
دلیل‌تراشی را وانهیم
محصول را ببینیم
آن‌چه روی می‌دهد
وقتی حقوق مدیر از معاون بیشتر باشد
و حقوق معاون از کارمند
و کارمند از کارگر

ب و ج تلاش می‌کنند برای مدیر شدن
ب برای خدمت
و ج برای حقوق بیشتر

کدام برنده می‌شود؟!
پست الف را چه کسی به ارث می‌برد؟!
ب یا ج؟
شک نکنید ج
قطعاً ج
چرا؟!
زیرا او حاضر است چیزهای بیشتری را فدا کند
حتی ایمان خود را
او می‌تواند دروغ بگوید
او می‌تواند دزدی کند
او می‌تواند رشوه دهد
او می‌تواند...
بله
او می‌تواند مدیر شود
او جای الف را خواهد گرفت
زیرا ب
ب حاضر به چاپلوسی نیست
ب دین دارد
ب تقوا
او نمی‌تواند چیزی را فدا کند
او دین خود را به دنیا نمی‌دهد
پس او خانه‌نشین می‌شود
او حذف می‌شود
عرصه مدیریت به دست ج‌ها می‌افتد
به همین سادگی!

دنیا هر جا که باشد
محفل دنیاپرستان می‌شود
مگس گرد شیرینی‌ست دیگر
اگر فساد نمی‌خواهیم
اگر مدیران فاسد
بساط قند و شکر را باید جمع کرد
ساختار ایراد دارد
نداشت که جمع نمی‌شدند

از همان زمان که اصل چهار ترومن در ایران اجرایی شد
دوران طاغوت
ستمشاهی
برنامه همین بود
نظام غرب این‌طور پیشرفت کرده است

ساختار طراحی کرده
مکانیزمی قدرتمند
دنیاپرست‌ترین‌ها را بالا می‌کشد
خود به خود
بدون نیاز به اعمال قدرت

قانون استخدامی ما را هم نوشتند
و عادتمان دادند
و عادت کردیم
و انقلاب هم که کردیم
مدت کوتاهی نگذشته
به عادت بازگشتیم
گفتیم مگر می‌شود حقوق مدیر و کارمند مساوی باشد؟!
نفهمیدیم چه مکری پشت آن است
و چه حیلتی
چه خیانتی به انسانیت
وقتی هر دو یک‌ساعت کار می‌کنند
چرا باید متفاوت حقوق دریافت دارند؟!

ساختار اسلامی باید متفاوت چیده شود
مدیر کمتر بگیرد
الگوی مصرف کمتری داشته باشد
مدیر مسئول باشد
مؤاخذه گردد
امروز اشتباه کارمند
به حساب کارمند است
ولی در دیدگاه ما
مدیر اشتباه کرده است
او کارمند را انتخاب کرده
اگر ناتوان بوده
انتخاب او شایسته بازخواست است

اگر مدیر مصرف کمتر داشته باشد
و گیر بیشتر
بازپرسی فراوان‌تر
ج دیگر هوس الف نمی‌کند
می‌گوید همین‌جا که هستم خوب است
اصلاً معاونی بهتر از مدیری
حقوقم که بهتر
مصرفم بیشتر

مسئولیت هم کمتر
دنیاپرستان ترجیح می‌دهند کف حاکمیت باشند
اداری نباشند

اشکال می‌کنند که پست‌ها خالی می‌ماند
کارشناسان رفته
بی‌تخصصی
کشور را که اداره کند؟!
ب هست
همیشه ب‌هایی هستند
آن‌هایی که برای خدمت مدیر می‌شوند
فکر تکلیف‌اند
وقتی پست الف خالی شود
مدیر نداشته باشد
همیشه حداقل یک ب هست که احساس تکلیف کند
از دنیا بگذرد
حقوق کمتر
مسئولیت بیشتر
می‌آید و پست را تحویل می‌گیرد
می‌شود درست مثل اول انقلاب
وقتی که دانه‌درشت‌ها فرار کرده بودند
می‌شود درست مثل اوایل جنگ
دفاع مقدس
فرمانده لشکر وسط میدان
شب‌ها باید برود شناسایی
در چنین میدانی
چه کسی هوس می‌کند فرمانده شود؟!

انقلاب در ساختارها راه دارد
راهش با انقلاب نخست متفاوت
آن‌جا هدف بیرونی شاه بود
بیرونی آمریکا
این‌جا هدف عوض شده
انقلاب در ساختارها
قوانین اداره جامعه تغییر کند
روش مدیریت

ساختارها را نمی‌شود بی‌گدار تغییر داد
حضرت امیر (ع) هم نماز تراویح را برنداشت
نتوانست

چرا اجبار نکرد
صلاح ندید
جایی که خود می‌فرماید:
»والیان قبل از من اعمالی را مرتکب شدند، عمداً بر خلاف شیوه رسول خدا (ص) رفتار کردند، پیمان او را شکستند و سنتش را دگرگون کردند . اگر مردم را به ترک این اعمال مجبور کنم . . . لشگرم پراکنده می شوند تا آن که خود تنها بمانم یا با گروه اندکی از شیعیانم«
»قد عملت الولاة قبلی اعمالا خالفوا فیها رسول الله (ص) متعمدین خلافه ناقضین لعهده مغیرین لسنته ولو حملت الناس علی ترکها . . . لتفرق عنی جندی حتی ابقی وحدی او قلیل من شیعتی) «الکافی، ج۸ ص۵۹(

و اشاره به همین بدعت می‌نماید:
»به خدا سوگند به مردم فرمان دادم در ماه رمضان نمازی جز نماز واجب را به جماعت نخوانند و به آنان گفتم که نماز مستحبی را به جماعت گزاردن بدعت است، برخی از لشکریانم که در کنار من می جنگیدند، فریاد کشیدند: ای اهل اسلام، سنت عمر تغییر پیدا کرد، ما را از نماز خواندن در ماه رمضان باز می دارند، و می ترسیدم که در گوشه لشکرم علیه من بشورند و قیام کنند«

مشابه این از لسان هارون نیز نقل شده است
برادر حضرت موسی (ع(
در داستان سامری و گوساله طلایش
ماجرای شرک و بت‌پرستی‌اش

ساختارها در فرهنگ ریشه دارند
فرهنگ را تاریخ می‌سازد
تاریخ را نخبگان
تأثیرگذاران
آنها که الگو هستند
اعتبارند
مردم به آنها تمسّک می‌جویند
نه امروز
که در گذشته
امروز برای فردا
حرکت فرهنگ آسان نیست
راحت جابه‌جا نمی‌شود
و ساختارها
نمی‌توانند بدون فرهنگ پابرجا بمانند
یک شبه بیایند
یک شب هم می‌روند

اما راه...
امروز مدار نخبگی تغییر کرده
ابزار متفاوت شده

غرب هم این را خوب فهمیده
یهود بر رسانه نشسته
رسانه را گرفته که دنیا را
از صد سال پیش
چند قرن است
با روزنامه شروع کرد
امروز ماهواره

راه تغییر فرهنگ این است
شروع از این‌جا
از رسانه
از خبرنگار
ژورنالیسم محور تغییر است
تغییر در ساختارها

مردم را باید تغییر داد
تفکر و اندیشه‌هایشان
عادت‌ها و رویکردها
این‌که نپذیرند چیزهایی را
و بپذیرند چیزهای دیگری را
»پسند« اجتماعی را باید هدف گرفت
»معروف« را اصلاح کرد
»منکر« را به جای خود نشاند
ارزش‌ها را که دگرگون سازی
مگر ج می‌تواند حقوق بیشتر مطالبه نماید
وقتی الف شد؟!

»خبرنگار« بازوی امر به معروف است
او »ماشه« تغییر نظام است
انجمنی از خبرنگاران باتقوا لازم است
خبرنگاران انقلابی
ژورنالیست‌های متدین
انجمنی که ماشه را بچکاند
گریبان مسئولین را بگیرد
با پرسش‌های پیاپی
جهت‌دار
و مردم را آگاه کند
حسّاس به حوادث
حسّاس به خرابی ساختارها
خوب نشان دهد

اشکالات را
نوافص را
دقیق و به دور از بی‌انصافی
خیانت نکند
صداقت در بیان نقص‌ها
ایرادات ساختار مدیریتی